

## بررسی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال

محمدهادی فلاحی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

لغزش‌های زبانی خطاهایی غیر مکرر هستند که به طور عادی و طبیعی در گفتار همه انسان‌ها رخ می‌دهند. علت توجه به این خطاها نقش آن‌ها در توضیح و تبیین چگونگی فرایند تولید گفتار است. مهم‌ترین نتیجه حاصل از پژوهش‌های صورت گرفته درباره لغزش‌ها این است که لغزش‌ها در الگوهای بسیار منظم و قاعده‌مند رخ می‌دهند. در این مقاله انواع لغزش‌ها در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که در گفتار عادی به ترتیب بیش‌ترین نوع لغزش‌ها جانشینی واژگانی به دلیل شباهت معنایی و کم‌ترین نوع لغزش‌ها افزایش آوا و مبادله مجزاست. همچنین بررسی داده‌های موجود مؤید قاعده‌مندی رخداد لغزش‌هاست.

کلیدواژه‌ها: لغزش‌های زبانی<sup>۱</sup>، گفتار عادی<sup>۲</sup>، تولید گفتار<sup>۳</sup>

### ۱- مقدمه

بدون شک همه انسان‌ها لغزش‌های زبانی را تجربه کرده‌اند؛ هر چند که از آن‌ها آگاهی نداشته، چگونگی رخداد آن‌ها را ندانند. برای همه ما پیش آمده است که در گفتار روزمره - چه رسمی و چه غیررسمی - واژه‌ای را به جای واژه‌ای دیگر به کار برده باشیم؛ جای دو واژه را عوض کرده، دو واژه و یا دو عبارت را به طور هم‌زمان و آمیخته ادا کرده باشیم و بسیاری لغزش‌های دیگر. در آغاز لازم است میان مفهوم لغزش‌ها و یا خطاهای زبانی و اختلالات زبانی<sup>۴</sup> تمایز قایل شویم؛ هر چند که در برخی از کتاب‌ها این تمایز و نام‌گذاری چندان پذیرفته نیست. لغزش‌های زبانی خطاهایی غیرمکرر هستند که در همه انسان‌ها به طور طبیعی و عادی رخ می‌دهد هر چند که در برخی افراد و در برخی موقعیت‌ها همچون حالت خشم، اضطراب، خستگی و ... بسامد بیشتری دارند؛ اما اختلالات زبانی خطاهایی مکرر هستند که فقط در افراد زبان‌پریش - یعنی افرادی که به مغز آن‌ها آسیب وارد شده است - روی می‌دهد. لغزش‌های زبانی اغلب در ایجاد ارتباط و رساندن پیام اختلالی ایجاد نمی‌کنند و سخن‌گو و شنونده به آن‌ها توجه نمی‌کنند؛ ولی بررسی آن‌ها به مثابه ابزاری برای توضیح چگونگی فرایند تولید گفتار اهمیت بسیاری دارد. پی‌بردن به این موضوع که انسان چگونه گفتار خود را طرح‌ریزی و تولید می‌کند، بسیار دشوار است. مطالعه فرایند تولید گفتار، اغلب از سه راه صورت می‌گیرد: (باترورث<sup>۵</sup>، ۱۹۸۳: ۶-۱۴)

الف - مطالعه گفتار افراد زبان‌پریش

<sup>۱</sup> . speech errors / slips of the tongue.

<sup>۲</sup> . natural speech.

<sup>۳</sup> . speech articulation.

<sup>۴</sup> . language disorders.

<sup>۵</sup> . Butterworth, B.

ب- مطالعه لغزش‌های زبانی و مکث‌های تأملی<sup>۱</sup>

ج- استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری آوایی

علاوه بر سه روش بالا برخی زبان‌شناسان پدیده نوک زبانی<sup>۲</sup> را نیز یکی از روش‌های پی بردن به چگونگی ذخیره اطلاعات زبانی و چگونگی تولید گفتار دانسته‌اند. به ساور اچیسون (۱۳۶۴: ۴۰۷) زبان‌شناسان به این علت به مطالعه لغزش‌های زبانی علاقه‌مندند که امیدوارند زبان در حالت نامنظم خود حقایق را آشکار سازد که در حالت منظم آن قابل کشف و دسترسی نیست؛ بنابراین اصلی‌ترین دلیل برای بررسی و مطالعه لغزش‌های زبانی، دستیابی به مراحل تولید گفتار است. می‌توان به سادگی چنین استدلال کرد که چون لغزش‌های زبانی بر روی واحدهای مختلف زبانی رخ می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که فرایندهای تولید گفتار در مراحل مختلف و بر روی واحدهای مختلف انجام می‌شود. (فرامکین و همکاران، ۱۹۸۸: ۴۳۳). زبان‌شناسان با بررسی لغزش‌های زبانی دریافته‌اند که گفتار، طی چهار مرحله مفهوم‌سازی<sup>۳</sup>، شکل‌دهی به طرح زبانی<sup>۴</sup>، تولید طرح زبانی<sup>۵</sup> و بازبینی گفتار<sup>۶</sup> تولید می‌شود؛ یعنی طی یک مرحله متناوب، اندیشه به سخن تبدیل می‌شود. (کارول، ۱۹۸۸: ۱۹۲)

ما در این مقاله قصد پرداختن به مراحل تولید گفتار و نقش لغزش‌های زبانی در شناخت و تبیین آن‌ها را نداریم. هدف ما در درجه نخست طبقه‌بندی انواع لغزش‌های زبانی است که در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال رخ می‌دهد و در درجه دوم رسیدن به قواعد و تعمیم‌هایی است که نشان می‌دهد لغزش‌ها گرچه غیرتکراری هستند، در الگوهای بسیار منظم رخ می‌دهند.

شایان ذکر است که به موازات لغزش‌های زبانی، لغزش‌های دیگری نیز از جمله لغزش‌های شنوایی<sup>۷</sup>، لغزش‌های نوشتاری<sup>۸</sup> و لغزش‌های خواندن<sup>۹</sup> در میان افراد رواج دارد که آن‌ها نیز منظم و قاعده‌مندند. دانشمندانی همچون برومن (۱۹۸۰) و گارنر و بوند (۱۹۸۰) به بررسی جامع این‌گونه لغزش‌ها پرداخته‌اند. (گارمن، ۱۹۹۰: ۱۵۲ - ۱۶۷) در افراد ناشنوایی که از زبان اشاره استفاده می‌کنند به جای لغزش‌های زبانی افراد شنوا، لغزش‌های دست<sup>۱۰</sup> روی می‌دهد. (کارول، ۱۹۹۸: ۲۱۴)

## ۲- پیشینه تحقیق و روش انجام گرفتن آن

از آنجایی که اصلی‌ترین وظیفه زبان ایجاد ارتباط است و لغزش‌های زبانی اختلالی در ایجاد ارتباط به وجود نمی‌آورند، مطالعه لغزش‌ها چندان مورد توجه نبوده، دیرینه‌چندانی ندارد. اصطلاح لغزش‌های زبانی را نخستین بار فرامکین در سال ۱۹۷۱ در مقاله‌ای به کار برد. دانشمندان پس از اینکه دریافتند لغزش‌های زبانی چگونه نقش واحدهای زبانی را در تولید گفتار نشان می‌دهند، به ثبت و بررسی آن‌ها پرداختند. در

1. hesitation pauses.

2. tip of the tongue.

3. conceptualization.

4. formulating.

5. articulating

6. monitoring.

7. slips of the ear.

8. slips of the pen

9. slips of the eye.

10. slips of the hand.

توضیح چگونگی رخداد لغزش‌های زبانی دو رویکرد عمده وجود دارد: یکی توضیح فروید<sup>۱</sup> است که لغزش‌ها را ناشی از تداخل افکار سرکوب شده جنسی از ناخودآگاه انسان در سخن آگاهانه او می‌داند؛ یعنی به طور هم‌زمان دو طرح‌ریزی گفتار در ذهن در حال انجام گرفتن است. البته این‌گونه لغزش‌ها را نمی‌توان منکر شد؛ اما تعداد آن‌ها بسیار ناچیز است و دیگری توضیح روان‌شناسی زبان در این مورد است که مدعی است لغزش‌های زبانی از چگونگی طرح‌ریزی و تولید گفتار خبر می‌دهند.

پایه‌ای‌ترین پژوهش‌ها در زمینه لغزش‌های زبانی را تاکنون فرامکین (۱۹۷۱ - ۱۹۷۳ - ۱۹۸۰) و گارت (۱۹۷۵ - ۱۹۷۶ - ۱۹۸۰ - ۱۹۸۲ - ۱۹۹۰) انجام داده‌اند. آنان پس از تجزیه و تحلیل لغزش‌های روی داده در یک پیکره زبانی به طرح الگویی چندسطحی و پیوسته (سری) برای نشان دادن مراحل تولید گفتار دست یافتند؛ با این استدلال که لغزش‌ها می‌توانند به ما بگویند در هر سطحی چه روی می‌دهد. فرامکین (۱۹۷۱) مراحل تولید گفتار را شش مرحله و گارت (۱۹۸۲) سطوح تولید را سه سطح (پیام، جمله و تولید) معرفی می‌کند. سطح پیام را می‌توان سطح منظورشناختی - معنی‌شناختی<sup>۲</sup> دانست. سطح جمله نیز شامل دو زیرسطح نقشی<sup>۳</sup> و جایگاهی<sup>۴</sup> است. (گارمن، ۱۹۹۰: ۳۷۶).

علاوه بر دو الگوی بالا، الگوی موازی دل (۱۹۸۶) نیز از الگوهای مطرح است. گلدمن و وایسلر (۱۹۸۶) نیز با توجه به مکث‌های تأملی، الگویی از فرایند تولید عرضه می‌کنند (گارمن، ۱۹۹۰: ۳۷۲-۳۷۴).

با توجه به الگوهای ذکر شده تحقیقات بسیاری انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. تحقیقات برگر و همکاران (۱۹۹۸) بر روی لغزش‌های پیش‌آیی<sup>۵</sup> و پس‌آیی<sup>۶</sup> قابل ذکر است. (کارول، ۱۹۹۸: ۱۹۵). /چیسون (۱۳۶۴) نیز به طور مفصل به بررسی انواع لغزش‌ها و مکث‌ها پرداخته و چگونگی طرح‌ریزی گفتار بر اساس آن‌ها را شرح می‌دهد. تحقیقات بومر و لور (۱۹۸۶) که به بررسی تکیه و نقش آن در لغزش‌ها می‌پردازد قابل توجه است (چیسون، ۱۳۶۴: ۴۲۸). والشکوسکی (۲۰۰۳)<sup>۷</sup> نیز در تحقیق مفصلی نقش فاصله مشخصه‌های واجی<sup>۸</sup> را بر رخداد لغزش‌های واجی‌یافتی<sup>۹</sup> بررسی می‌کند و درمی‌یابد که این فاصله عامل اساسی در تعیین انواع لغزش‌هاست. علاوه بر زبان‌شناسان و روان‌شناسان، فیلسوفان نیز به بررسی لغزش‌های زبانی پرداخته‌اند (باترورث، ۱۹۸۱). توجه به نتایج تحقیق درباره پیکره زبانی MIT شاتوک هافناگل<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۳) (گارمن، ۱۹۹۰: ۱۵۲) و دل و ریچ<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۱) (گارمن، ۱۹۹۰: ۴۰۸ - ۴۱۱) در بررسی انواع لغزش‌ها، ضروری است. فی و کاتلر (۱۹۷۷) در پژوهشی به بررسی پدیده جانیشینی واژگانی پرداخته‌اند (گارت، ۱۹۹۰: ۷۲). در این بحث توجه به الگوی شاتوک هافناگل (۱۹۷۹ - ۱۹۸۶) که به الگوی frame and slot معروف است، جالب توجه است (گارت، ۱۹۹۰: ۸۳ - ۸۴).

1. Freudian explanation.  
2. pragmatic - semantic  
3. functional.  
4. positional.  
5. anticipation.  
6. perseveration.  
7. waleschkowski, E.  
8. feature distance.  
9. contextual phonological errors.  
10. Shattuk - Hufnagel's.  
11. Dell, G.S. & Reich, P.A.

استفاده از لغزش‌های زبانی علاوه بر تشریح مراحل تولید گفتار به درک مرحله‌ای دیگر به نام مرحله بازبینی نیز کمک می‌کند. لولت (۱۹۸۳) در آزمایشی به بررسی انواع لغزش‌ها و اصلاحات و چگونگی اصلاح لغزش‌ها پرداخت (کارول، ۱۹۸۸: ۲۰۹ - ۲۱۳).

در این تحقیق، تجزیه و تحلیل گفتار روزمره در حالت‌های رسمی و غیررسمی مورد نظر بوده است که شامل گفتار روزمره در میان افراد خانواده و دوستان و محیط‌های اداری، برنامه‌های زنده تلویزیونی و رادیویی، مصاحبه‌ها، گزارش‌های ورزشی، سخنرانی‌ها، کلاس‌های درس، نماز جمعه، میزگردها و ... است. داده‌های لازم از ثبت و تحلیل هم‌زمان بیش از ۵۷۰ ساعت گفتار به دست آمد. البته برخی از این گفته‌ها نخست ضبط شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این مقاله انواع لغزش‌ها و میزان بسامد آن‌ها بررسی و محاسبه خواهد شد. البته شایان ذکر است که با تجزیه و تحلیل گفتار آزمایشگاهی نیز می‌توان نوع و تعداد لغزش‌های زبانی را تعیین کرد. روش این گونه آزمایش‌ها بدین صورت است که تعدادی جمله برای فرد خوانده می‌شود و او باید سریع آن‌ها را تکرار کند. از آنجایی که در گفتار آزمایشگاهی، هدف نوعی بازی با زبان است، جمله‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که احتمال لغزش در آن‌ها زیاد است و از سوی دیگر چون جمله‌ها اغلب ساده و کوتاه‌اند، فقط انواع خاصی از لغزش‌ها احتمال وقوع دارند؛ بنابراین نمی‌توان داده‌های حاصل از این آزمایش را معیار مناسبی برای تعیین انواع و تعداد لغزش‌ها در نظر گرفت.

### ۳- انواع لغزش‌های زبانی

در تعریف و طبقه‌بندی انواع لغزش‌ها یک‌دستی و اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما می‌توان به طور کلی آن‌ها را به دو دسته لغزش‌های آوایی (خطاهای تولید) که در سطح واج رخ می‌دهند و لغزش‌های نحوی و معنایی که در سطح فراتر از واج رخ می‌دهند، تقسیم‌بندی کرد. (گارمن، ۱۹۹۰: ۱۵۱) با توجه به منابع موجود لغزش‌های زبانی عبارتند از:

#### الف- لغزش‌های آوایی:

۱- مبادله آوا<sup>۱</sup>: دو صوت که در درون یک عبارت و در جایگاه‌های نسبتاً یکسانی در واژه‌ها قرار دارند، جابه‌جا می‌شوند؛ مثلاً:

خانه و کاشانه ← کانه و خاشانه (x و k مبادله شده‌اند)

هوگو چاوز ← چوگو هاوز (C و h مبادله شده‌اند)

۲- پیش‌آیی آوایی: آوایی به جز در جایگاه اصلی خود در جایی جلوتر از خود نیز ادا می‌شود؛ مثلاً:

خارج از کشور ← کارج از کشور

ساخته دست بشر ← ساخته دشت بشر

۳- پس‌آیی آوایی: آوایی به جز در جایگاه اصلی خود در جایی عقب‌تر از خود نیز ادا می‌شود؛ مثلاً:

زد قدم ← زد قدم      ناهار باقالی پلو ← ناهار ناقالی پلو

عزاداران ابا عبدالله ← عزاداران عزا عبدالله

<sup>۱</sup> . sound exchange

۴- حذف<sup>۱</sup>: آوایی از زنجیره گفتار حذف می‌شود؛ مثلاً:

دقیقه ← دقه (حذف هجا) ← مصوبه ← مصوب (حذف واکه)  
 ماجراجویانه ← ماجرجویانه (حذف واکه)

۵- افزایش<sup>۲</sup>: آوایی به زنجیره گفتار افزوده می‌شود؛ مثلاً:

کلنگ ← کلنگی (افزایش واکه) ← تیراژ ← تیراژ (افزایش همخوان)

ب- لغزش‌های نحوی و معنایی:

۶- جانشینی واژگانی<sup>۳</sup> که یا به شکل جانشینی به دلیل تشابه معنایی صورت می‌گیرد؛ مثلاً:

بالا ← پایین و شیر ← ماست و یا به دلیل تشابه لفظی<sup>۴</sup>؛ مثلاً:  
 بررسی ← بازرسی ← خرما ← خامه.

۷- مبادله واژگانی<sup>۵</sup>: دو واژه با مقوله دستوری همانند در درون یک بند جمله یا فراتر از آن جا به جا

می‌شوند؛ مثلاً:

آب که بو نمی‌ده ← بو که آب نمی‌ده (مبادله واژگانی در درون بند جمله)  
 آمد ابرویش را درست کند، چشمش را کور کرد ← آمد چشمش را درست کند، ابرویش را  
 کور کرد. (مبادله واژگانی در فراتر از بند جمله)

۸- ادغام<sup>۶</sup> که به دلیل پردازش همزمان دو پیام در ذهن روی می‌دهد. ادغام در سطح واژه؛ مثلاً:

تلفن + تلویزیون ← تلفوزیون ← آب سردکن + سردخانه ← آب سردخانه  
 و در سطح عبارت؛ مثلاً:

وجدان داشته باش + مرد باش ← مرد داشته باش

۹- انتقال<sup>۷</sup>: وندها جابه‌جا شده و پایه‌ها ثابت می‌مانند؛ مثلاً:

شورای امنیتی‌ها ← شوراهای امنیتی ← دستم رسید بهش ← دستش رسید بهم

۱۰- مبادله مجزا<sup>۸</sup>: پایه‌ها جابه‌جا شده و وندها ثابت می‌مانند؛ مثلاً:

1. deletion.  
 2. addition.  
 3. substitution.  
 4. malapropism.  
 5. word exchange.  
 6. blending.  
 7. shift.  
 8. stranding exchange.

سرم تره ← سرم سوه ← پام خورد توی سرش ← سرم خورد توی پاش  
 البته در اینکه حذف و افزایش صوت را نیز بتوان لغزش به حساب آورد، تردید وجود دارد؛ زیرا این دو فرایند، فرایندهای واجی به حساب می‌آیند. اما کارول (۱۹۹۸: ۱۹۴) به نقل از گارت (۱۹۷۵) و والشکوسکی (۲۰۰۳) آن‌ها را لغزش دانسته‌اند و ما نیز در اینجا آن‌ها را لغزش محسوب کرده‌ایم.  
 علاوه بر انواع لغزش‌های ذکر شده، والشکوسکی (۲۰۰۳: ۲۱)، هماهنگی واکه‌ای<sup>۱</sup> را نیز نوعی لغزش به حساب آورده است. از سوی دیگر هارولی (۱۹۸۴) نیز به نوع دیگری از لغزش اشاره می‌کند که تأثیر بافت غیرزبانی را در بروز لغزش‌های زبانی نشان می‌دهد؛ مثلاً زمانی که فرد به شدت گرسنه است و به غذا فکر می‌کند، به جای جمله «من همه کتاب‌های کتابخانه را خواندم» می‌گوید «من همه کتاب‌های کتابخانه را خوردم» (گارت، ۱۹۹۰: ۹۲). در این مقاله این دو نوع لغزش در نظر گرفته نشده‌اند.  
 به نظر نگارنده نوع دیگری از لغزش نیز وجود دارد که می‌توان آن را «لغزش مطابقت» نامید؛ مانند عدم مطابقت فعل و فاعل، زمان فعل و قید و ... این لغزش، وقتی رخ می‌دهد که به نظر می‌رسد گوینده در آغاز طرح، یک جمله را مرحله به مرحله به تولید می‌رساند ولی زمانی که به پایان بند جمله نزدیک می‌شود، طرح نخستین را رها کرده، شروع به تولید طرح دیگری می‌کند. البته شاید بتوان این نوع خطا را نوعی لغزش ادغام در سطح عبارت دانست؛ با این تفاوت که در ادغام، سخنگو به دلیل پردازش هم‌زمان دو پیام، به طور ناخودآگاه دو عبارت را ادغام کرده و تولید می‌کند؛ در حالی که در لغزش انطباق، سخنگو یک پیام را از نیمه رها کرده، شروع به طرح‌ریزی و تولید پیام دیگری می‌کند. از سوی دیگر خطای انطباق فقط در سطح فراتر از واژه امکان روی دادن دارد. به نمونه زیر که نشان‌دهنده این نوع خطاست، توجه کنید:  
 صادرات ما به عراق به یک میلیارد دلار است (گوینده در ابتدا می‌خواسته بگوید "صادرات ما... دلار می‌رسد" اما پیش از پایان جمله آن را رها کرده و صورتی دیگر را طرح‌ریزی و تولید می‌کند).

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری

در این بخش داده‌های برگرفته از گفتار عادی (رسمی و غیررسمی) بررسی می‌شود. در گفتار عادی از مجموع ۵۹۶ لغزش ثبت شده، ۱۱۸ مورد لغزش آوایی (۱۹/۷ درصد) و ۴۷۸ مورد لغزش نحوی و معنایی (۸۰/۳ درصد) است. در میان لغزش‌های آوایی، لغزش پس‌آبی با ۹/۰۶ درصد بیش‌ترین و افزایش با ۰/۶۷ درصد کم‌ترین سهم را داشته‌اند. در میان لغزش‌های نحوی و معنایی نیز جانشینی واژگانی به دلیل تشابه معنایی با ۳۸/۲۵ درصد بیش‌ترین و مبادله مجزا با ۰/۶۷ درصد کم‌ترین بسامد را داشته‌اند. در مجموع همه لغزش‌ها، جانشینی واژگانی به دلیل تشابه معنایی با ۲۲۸ مورد، بیش‌ترین و لغزش‌های افزایش و مبادله مجزا فقط با ۴ مورد رخداد، کم‌ترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. ترتیب همه لغزش‌ها با توجه به تعداد و درصد به صورت زیر است:

جانشینی واژگانی به دلیل شباهت معنایی با ۲۲۸ مورد (۳۸/۲۵ درصد)، مطابقت با ۹۶ مورد (۱۶/۱ درصد)، جانشینی واژگانی به دلیل تشابه صوری با ۶۰ مورد (۱۰/۰۶ درصد)، پس‌آبی آوایی با ۵۴ مورد (۹/۰۶ درصد)، پیش‌آبی آوایی و مبادله واژگانی هر یک با ۳۶ مورد (۶/۰۴ درصد)، ادغام در سطح عبارت با

<sup>۱</sup> . vowel harmony.

۲۴ مورد (۴/۰۲ درصد)، انتقال با ۱۸ مورد (۳/۰۲ درصد)، مبادله آوا، ادغام در سطح واژه و حذف هر یک با ۱۲ مورد (۲/۰۱ درصد) و سرانجام لغزش‌های افزایش و مبادله مجزا با ۴ مورد (۰/۶۷ درصد) به ترتیب بیش‌ترین تا کم‌ترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

در این‌جا ذکر این نکته لازم است که تعداد و نوع لغزش‌ها در گفتار رسمی (سخنرانی، مصاحبه و ...) و غیررسمی (سخنان روزمره) یکسان نیست؛ به گونه‌ای که لغزش‌های جانشینی واژگانی و مبادله واژگانی در گفتار غیررسمی و لغزش‌های آوایی در گفتار رسمی رواج بیش‌تری دارند. بررسی و مقایسه لغزش‌های روی داده در این دو نوع گفتار، پژوهشی جداگانه را می‌طلبد.

تعداد و درصد لغزش‌های روی داده در جدول شماره ۱ آمده است. در همه پژوهش‌های انجام شده درباره لغزش‌ها، یک نتیجه اساسی به دست می‌آید و آن این است که لغزش‌ها بر اساس الگوهای منظم رخ می‌دهند و می‌توان قواعد حاکم بر آن‌ها را استخراج کرد. در این پژوهش نیز علاوه بر محاسبه تعداد هر یک از انواع لغزش‌ها به تعمیم‌ها و قواعدی دست یافتیم که همگی آن‌ها در پژوهش‌های پیشین مهر تأیید خورده‌اند. در این تحقیق در تأیید قواعد و تعمیم‌هایی که ذکر خواهد شد، تعدادی از انواع لغزش‌ها برای نمونه آورده شده است که با اندکی دقت می‌توان قواعد مذکور را از آن‌ها استخراج کرد. از جمله این قواعد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گارت (۱۹۷۵) در تعمیم‌های چهارگانه خود آورده است (کارول ۱۹۹۸: ۱۹۴)، اول اینکه واحدهای شرکت‌کننده در فرایند لغزش از یک محیط آوایی‌اند؛ مثلاً آغاز هجا با آغاز هجایی دیگر و ...؛ مثلاً:

زمان بدی است	←	زبان بدی است.
خارج از کشور	←	کارج از کشور
سوت و کور کار می‌کنند	←	سوت و کار کار می‌کنند
داور وسط	←	داوت وسط

دوم، هر دو واحد یکسانند؛ مثلاً هر دو همخوان هستند:

سرشیر	←	شرسیر
کار	←	کور

(س و ش هر دو همخوان هستند)  
(ā و u هر دو واکه هستند)

سوم اینکه واژه حاصل از لغزش، با قواعد واجی زبان منطبق است؛ مثلاً:

جیغ و داد	←	جاغ (ادغام در سطح واژه)
شب سال تحویل	←	شب شال تحویل (پس آبی آوایی)
حاصل تلاش	←	حاشل تلاش (پیش آبی آوایی)

(جاغ، شال و حاشل هر سه با قواعد واجی زبان فارسی منطبق است).

و چهارم اینکه به جز در خطای انتقال، در بقیه لغزش‌ها جایگاه تکیه ثابت می‌ماند؛ مثلاً:

سال شلوغ	←	شال شلوغ
شش سیر	←	شش شیر
سرم تره	←	ترم سره

اتاقشان را می‌دهیم تحویلشان ← اتاقان را می‌دهیم تحویلشان

گارت (۱۹۹۰: ۷۵) به دو قاعده مهم دیگر نیز اشاره می‌کند: مبادله، پیش آیی و پس آیی آوایی فقط در درون عبارت صورت می‌گیرد؛ مثلاً:

قارچ و گوشت	←	گارچ و گوشت
سیب نشسته	←	سیب نسسته
دیجیتال	←	جیجیتال

ولی مبادلهٔ واژه در مرز فراتر از بند جمله<sup>۲</sup> نیز امکان رویداد دارد؛ مثلاً:

آب در کوزه و ما گرد جهان می‌گردیم، یار در خانه و ما تشنه‌لبان می‌گردیم ←  
 یار در کوزه و ... ، آب در خانه و ... (مبادلهٔ واژگانی در مرز فراتر از بند جمله)

تخم مرغ بپزم و پنیر بیارم ← پنیر بپزم و تخم مرغ بیارم ( مبادله واژگانی در مرز فراتر از جمله)  
 اگر ابر خوبی باشه، برف میاد ← اگر برف خوبی باشه، ابر میاد (مبادله واژگانی در مرز فراتر از جمله)

والشکوسکی (۲۰۰۳) نیز در بررسی لغزش‌های آوایی به قواعدی دست می‌یابد که ما نیز در این مقاله با توجه به داده‌های موجود، آن‌ها را تأیید می‌کنیم. از جملهٔ این قواعد می‌توان به قواعد زیر اشاره کرد:

هر چه دو واج از لحاظ مشخصه‌های واجی همانندتر باشند، امکان جابه‌جایی آن‌ها بیشتر است؛ مانند نمونه‌های ذکر شده در تعمیم‌های بالا که می‌بینیم جابه‌جایی میان [q] و [g]، [s] و [ʃ]، [x] و [k] وجود دارد. این آواها دست‌کم در یکی از سه مشخصهٔ محل تولید، چگونگی تولید و واکنش با یکدیگر مشابهند. از سوی دیگر مشابهت همخوان آغازین دو واژه، امکان جانشینی و مبادلهٔ آن‌ها را بیشتر می‌کند؛ مثلاً:

بازرسی	←	بررسی
خشک	←	خنک
ابرار	←	تأسف
ابرار	←	تعهد
خاموش	←	خالی

و اغلب این دو واژه از لحاظ دیرش<sup>۳</sup> و جایگاه تکیه نیز با یکدیگر مشابهند؛ مثلاً:

پسر	←	دختر
خاموش	←	خالی
آزمون	←	آموزش

از بررسی تعداد انواع لغزش‌ها به نتایجی دست یافتیم و همچنین به قواعدی اشاره شد که نتایج حاصل از این پژوهش مؤید آن‌هاست؛ اما در این پژوهش دریافتیم که افراد مختلف لغزش‌های یکسانی ندارند؛ به گونه‌ای که در برخی افراد لغزش‌های آوایی و در برخی دیگر لغزش‌های نحوی و معنایی بروز بیشتری دارند. البته برای پی بردن به اینکه چه عوامل فردی در بروز لغزش‌ها دخالت دارند، به پژوهشی جداگانه نیاز است. این تحقیق و نتایج حاصل از آن پرسش‌ها و زمینه‌های تحقیقی چندی را پیش روی نگارنده و خوانندهٔ آن خواهد گذاشت؛ از جمله اینکه نقش عوامل محیطی و عوامل روحی - روانی فرد در میزان رویداد لغزش‌ها چیست؛ چه افراد و با چه ویژگی‌هایی چه نوع لغزش‌هایی را بیشتر بروز می‌دهند و آیا می‌توان برای آن‌ها دلیل روان‌شناختی آورد؛ در چه محیط‌هایی اصولاً چه نوع لغزش‌هایی رخ می‌دهد؛ نقش سن، جنسیت، هوش، سواد و موقعیت اجتماعی فرد در بروز لغزش‌ها چیست.

<sup>۱</sup> . phrase.  
<sup>۲</sup> . clause.  
<sup>۳</sup> . duration.



جدول شماره ۱: انواع لغزش‌ها و بسامد رخداد آنها در گفتار عادی

		انواع لغزش
درصد	تعداد	
۲/۰۱	۱۲	۱- مبادله آوا
۶/۰۴	۳۶	۲- پیش‌آبی آوایی
۹/۰۶	۵۴	۳- پس‌آبی آوایی
۲/۰۱	۱۲	۴- حذف
۰/۱۶۷	۴	۵- افزایش
		۶- جانشینی واژگانی
۳۸/۲۵	۲۲۸	(تشابه معنایی)
۱۰/۰۶	۶۰	(تشابه صوری)
۶/۰۴	۳۶	۷- مبادله واژگانی
		۸- ادغام
۲/۰۱	۱۲	در سطح واژه
۴/۰۲	۲۴	در سطح عبارت
۰/۱۶۷	۴	۹- مبادله مجزا
۳/۰۲	۱۸	۱۰- انتقال
۱۶/۱	۹۶	۱۱- مطابقت
٪۱۰۰	۵۹۶	مجموع

## منابع

- اچیسون، جین (۱۳۶۴)، روان‌شناسی زبان، ترجمه و نگارش عبدالخلیل حاجتی، تهران: امیرکبیر.

- Butterworth, Brain, "Speech errors: old Data in Search of New Theories".  
<http://www.mathematicalbrain.com/1981>
- \_\_\_\_\_, "Introduction: A Brief Review of Methods of Studying Language Production".  
<http://www.mathematicalbrain.com/1983>
- Carroll, David, w. (1998), *Psychology of Language*, (3<sup>rd</sup> ed.), Mexico city: Brooks/ Cole Publishing Company.
- Dell, G.S. & Reich, P.A. (1981), "Stages in Sentence Production: An Analysis of speech Error Data", *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior*, 20, 611-629.
- Dell, G.S. (1986), "A Spreading Activation Theory of Retrieval in Sentence Production". *Psychological Review*, 93, 283 – 321.
- Fromkin, V. (1971), "The Unanomalous Nature of Anomalous utterances", *Language*, 47, 27 – 52.
- \_\_\_\_\_. (1973), *Speech Errors as Linguistic Evidence*, Mouton: The Hague.
- \_\_\_\_\_. (1980), *Errors in Linguistic Performance: Slips of the Tongue. Ear, Pen and Hand*, New York: Academic Press.
- Fromkin, V. & R.Rodman (1988), *An Introduction to Language*, (4<sup>th</sup> ed.), Florida: Holf, Reinhart and Winston Inc.
- Graman, Michael (1990), *Psycholinguistics*, Cambridge: Cup.
- Garrett, M.F. (1975), "The Analysis of Sentence Production". *The Psychology of Learning and Motivation*, Vol. 9. New York: Academic Press.
- \_\_\_\_\_ (1976), "Syntactic Processes in Sentence Production", R.wales & E. walker (eds.), *New approaches to Language Mechanisms*, Amsterdam: North Holand Press.
- \_\_\_\_\_ (1980), "levels of processing in sentence production", B. Butterworth (ed.), *Language Production*, Vol. 1. speech and talk, New York: Academic Press, 177 – 220.
- \_\_\_\_\_ (1982), "Production of Speech: Observations for Normal and Pathological language use", A. Ellis (ed.), *Normality and Pathology in Cognitive Functions*, London: Academic Press.
- \_\_\_\_\_ (1987), "Meaning and Form in Word Retrieval: Substitution Errors within Demantic field.", *MZT Center for Cognitive Science Occasional Paper*, No. 41.
- \_\_\_\_\_ (1990), "Process in Language Production", F.J. Newmeyer (ed.), *Linguistics: The Cambridge Survey*, Vol. III, Language: Psychological and Biological Aspects, Cambridge: Cup, 69 – 96.
- Shattuck – hufnagel, s. (1983). "Sublexical units and Supralelexical Structure in Speech Production Planning", P.F. Mac Neilage (ed.), *The Production of Speech*, New York: Springer – Verlag.
- Waleschkowski, E. "Feature Distance in Consonantal slips of the Tongue: Psycholinguistic and Methodological Aspects".  
<http://www.sfu.ca/cognitive-science/2003>